

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا

مقاله پژوهشی، سال ششم، شماره ۲۱، پاییز ۱۴۰۰، صفحات ۶۹ تا ۵۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۵

## بررسی نظام سیاسی، مالی و حقوقی ایران در عصر ساسانیان (ابعاد و رویکردها)

| علی نجفی قباق تپه\* | گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور استان البرز، واحد کرج، البرز، ایران.  
| سعید جهانگیری | دکتری، علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی،  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.  
| محمد بهاری | گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور استان البرز، واحد کرج، البرز، ایران.

### چکیده

هدف اصلی ما در این مقاله چگونگی آشنایی مسلمانان با نظام سیاسی، مالی و حقوقی ایران در عهد ساسانیان است، این مقاله با رویکرد با هدف بررسی چگونگی چرایی ورود اسلام به ایران تدوین یافته است. هر چند اسلام تعالیم و احکام جامعی در حوزه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی برای ساماندهی زندگی بشر و نیل به اهداف متعالی خلقت و تامین سعادت دنیا و آخرت انسان وضع کرده است اما سرزمینهایی که مسلمانان در خارج از شبه جزیره عربستان گشودند از هر جهت همگون نبود. از جمله می توان به نهادهای تمدنی و مقررات مالی اشاره کرد که فی المثل در ایران و مصر و شام به عنوان بخشهای مهمی از سرزمینهای مفتوحه، نظامهای متفاوتی برقرار بود. مسلمانان ضمن اجرای احکام کلی اسلام در حوزه های اداری و مالی، نه تنها نظامهای حاکم در سرزمینهای جدید را بکلی لغو نکردند بلکه مصلحت حکومت خود را در آن دیدند که مقررات بومی و سرزمینی را در جهت پیشبرد اهداف و مقاصد خویش به خدمت گیرند. ما در این تحقیق که به روش توصیفی و تحلیلی نگاشته شده است، در صدد پاسخ به چگونگی فاتحان عرب با نظام مالی ایران که دارای سابقه و نظام مند بوده است هستیم؟ میتوان گفت تسامح خلفای اسلامی با نظام مالی ایران و تاثیر پذیری دستگاه خلافت از نظام مالیاتی ایران عصر ساسانی که موضوع بحث در این تحقیق می باشد، مسلمانان پس از فتح ایران و حاکمیت بر قلمرو ساسانیان، با نظام عریض و طویل نظام دیوانی ایرانی روبهرو شدند.

**واژگان کلیدی:** ایران، ساسانیان، عصر اموی، مالیات، نظام مالی صدر اسلام.

---

\* نویسنده مسئول: alinajafiem1@gmail.com

### مقدمه و بیان مساله

هنگامی که عرب‌های مسلمان بر مداین، پایتخت دولت ساسانی دست یافتند و بر همه عراق که در آن هنگام استان مرکزی ایران بود و دل ایرانشهر خوانده می‌شد، مسلط شدند و دیوان خراج و مجموعه نظام مالی ایران را در اختیار گرفتند، خود را با سازمانی منظم و تا حدی پیچیده روبه‌رو یافتند که تصرف در آن را نه در حد توانایی خویش دیده و نه به مصلحت خود یافتند. بدین سبب نه تنها در آن نظام تغییری ندادند، بلکه به حکم ضرورت، برخی از روش‌های خود را هم که تا آن هنگام بدان عمل می‌کردند و اکنون با این نظام، هم‌خوانی نداشت تغییر دادند. یکی از این تغییرات، تقسیم اراضی مفتوحه بین فاتحان بود که چون با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شد، عمر به پیشنهاد و همفکری حضرت علی؟ دستور داد تا از تقسیم اراضی صرف نظر شود و زمین‌ها همچنان در اختیار صاحبان آنها باقی بماند و از آنها خراج سالیانه دریافت شود. به عبارت دیگر، دیوان خراج و مالیات‌ها بر همان وضعی باقی ماند که پیش از اسلام بود. عمر برای خراج آنها همان نهادهایی را پذیرفت که خسرو انوشیروان بنا نهاده بود. بر این اساس، نخستین اقدام سعد بن ابی‌وقاص، فاتح قادسیه نیز واگذاری مسئولیت گردآوری خراج منطقه سواد به دهقانان آن منطقه بود. دهقانان در عهد ساسانی مسئولیت گردآوری خراج نواحی مختلف ایران را بر عهده داشتند، اما این بار به جای دولت ساسانی، از سوی دولت اسلامی متعهد به جمع‌آوری خراج شدند. بدین‌سان، بی‌آنکه در اساس به نظام مالی و دیوانی دوره ساسانی خللی وارد آید به دولت نوپای اسلام انتقال یافت. اثر آنی و فوری این اقدام، حفظ وضع موجود و جلوگیری از آشفتگی در فرایند گردآوری خراج و کاهش عایدات بود. شاهد این مدعا اینکه در همان سال نخست که عمر سواد را به تصرف در آورد، مبلغ خراجی که از آنجا دریافت کرد با آنچه پیش از آن به وسیله پادشاهان ایران وصول می‌شد چندان تفاوتی نداشت. پس از آن عمر هیئت‌هایی را برای تحقیق در مورد مساحت و تعداد مزارع و املاک به منطقه سواد فرستاد. خراجی که مسلمانان از این اراضی می‌گرفتند ابتدا فقط شامل زمین‌هایی می‌شد که محصولات آنها غلات یا بعضی محصولات معین دیگر، مثل خرما، انگور، زیتون و یونجه بود. چون از محصولات دیگر چیزی اخذ نمی‌شد، به تدریج روستاییان سعی کردند چیزهایی را کشت کنند که محصول آنها مشمول خراج نبود. این نکته سبب شد که قسمتی از اراضی مزروعی سواد، مدتی از مالیات معاف بماند و وقتی در سال ۲۲ ق مغیره بن شعبه حاکم کوفه، خلیفه را متوجه این نکته کرد، از این رو مقررات تازه‌ای در این باب وضع شد و در پی آن نه تنها از محصولات دیگر، مثل ماش، شبدر و کنجد مالیات وصول شد، بلکه برای اراضی لم‌بزرع که زراعت آنها در واقع عمداً یا برای آمادگی مجدد جهت کشت متروک می‌شد نیز مالیات معین شد. گذشته از این اراضی که در دست دهقان‌ها و مالکان سابق ماند، بعضی از اراضی و املاک هم به خانواده سلطنتی ساسانی یا کسانی متعلق بود که در جنگ‌ها کشته یا متواری شده بودند. این اراضی هم هر چند در عمل غالباً در دست روستاییان و کشاورزان سابق باقی ماند، اما در واقع، خالصه امام بود و خلفا آنها را به عنوان «صوفی» در اختیار خویش داشتند و گاهی به شکل اقطاع به این و آن می‌دادند. فتح ایران به دست مسلمانان به مجموعه حملاتی به امپراتوری ساسانی در

قرن هفتم میلادی اشاره دارد که از سال ۶۳۳ میلادی در زمان خلافت ابوبکر شروع شد، در زمان عمر به اوج خود رسید و در زمان عثمان منتهی به سقوط کامل دولت ساسانی در سال ۶۵۱ میلادی (مطابق با سال ۳۰ هجری قمری) و کشته شدن یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانیان، گردید. (انصاف پور، ۱۳۵۶: ۱۳) زمانی که پیامبر (ص) دیده از جهان فرو بست، خلفای راشدین به عنوان حاکمان اسلامی سیاست های اقتصادی خود را با توجه به شناخت از اسلام و سنت پیامبر (ص) و موقعیت گسترش دین اسلام در مناطق مختلف و فتوحاتی که در پی داشت به شیوه های گوناگون وضع نمودند که هر کدام از این سیاست ها آثار و نتایج مخصوص به خود در بین مردم جامعه باقی گذاشت. دستگاه مالی امویان متأثر از نظام مالی مسلمانان در عهد خلفای اولیه بود، اما تفاوت های بنیادی نیز با آن دوره داشت. سیاست افزایش مالیات و اعمال خشونت برای دریافت آن و تحقیر مردمان مناطق تحت سلطه و داغ نهادن و مهر کردن روستاییان، منجر به فرار مردم پاره ای از مناطق شده و زمینه برخی قیام ها برضد بنی امیه فراهم آورده و در مسائل مالی، بحران آفرید. (سامانی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳).

## چارچوب نظری

### نظام مالی

یا نظام مالی، سیستمی است که امکان تبادل وجه و اعتبار میان مشارکت کنندگان در بازارهای اقتصادی مانند وام دهندگان، سرمایه گذاران و وام گیرندگان) را فراهم می کند. کاربرد این سیستم ها بطور خاص در سطح ملی و جهانی می باشد. سیستم های مالی برای برقراری ارتباط مؤثر و منظم میان سرمایه گذاران و سپرده گذاران، از اجزای مختلف و پیچیده ای تشکیل شده است، که اغلب توسط بازارها و موسسات مالی پشتیبانی می شوند. یک سیستم مالی مدرن از مجموعه ای از بانک ها دولتی یا خصوصی، بازارهای مالی، ابزارهای مالی و خدمات مالی تشکیل می شود. سیستم های مالی امکان سرمایه گذاری و جابجایی ابزارهای مالی را فراهم می نمایند و نیز تخصیص بودجه میان بخش های مختلف اقتصاد را امکان پذیر می کنند، همچنین افراد و شرکت ها را قادر می سازند تا ریسک موجود را به اشتراک بگذارند. یک نظام مالی می تواند در سطح جهانی، منطقه ای و یا شرکتی تعریف شود. نظام مالی در سطح شرکت مجموعه ای از روش های پیاده سازی شده است که فعالیت های مالی شرکت را دنبال می نماید. در مقیاس منطقه ای، نظام مالی نظامی است که وام دهندگان و وام گیرندگان را قادر می سازد تا منابع خود را با یکدیگر معاوضه کنند. نظام مالی جهانی، اساساً یک نظام منطقه ای بزرگ است که شامل همه نهادهای مالی در همه جنبه ها شامل مؤسسات مالی و وام دهندگان و وام گیرندگان در مقیاس جهانی می شود. (ابراهیم حسن، ۱۳۹۵: ۲۵۴).

اجزای مختلفی وجود دارد که به نظام مالی در سطوح مختلف شکل می دهد: در سطح شرکت نظام مالی شامل همه جنبه های مالی می شود. به طور مثال، می تواند شامل معیارهای حسابداری، برنامه های درآمدی و هزینه ای، حقوق و مزایا و تأیید ترانزاکشن باشد. نظام های مالی منطقه ای شامل

بانک ها و سایر نهادهای مالی، بازارهای مالی و خدمات مالی هستند. از یک دیدگاه جهانی، نظام‌های مالی صندوق بین‌المللی پول، بانک‌های مرکزی، بانک جهانی و بانک‌های بین‌المللی که خدمات وامی به همه کشورها ارائه می‌دهند، شامل می‌شود. (جعفریان، ۱۳۶۸: ۶۹) ریشه تمامی مسائل نظام مالی و تنگنای تأمین مالی تولید را می‌توان در ضعف نهادها دانست. متأسفانه نهادهای حاکم بر کشور بیش از آنکه مشوق فعالیت‌های تولیدی باشند در خدمت فعالیت‌های غیر مولد و رقیب فعالیت‌های تولیدی در کشور هستند. به همین جهت با وجود رشدهای بالای نقدینگی طی یک دهه اخیر، رشدهای متناسب تولید را به همراه نداشته است. در چارچوب نهادی ضدتولیدی، نظام تأمین مالی نیز خود را ملزم به تأمین منابع برای بخش حقیقی اقتصاد نمی‌داند. حاصل این ساختار نهادی معیوب، توسعه بخش‌های غیر مولد با بازده بالاتر و ریسک کمتر نسبت به فعالیت‌های تولیدی است که اکثر منابع مالی را به سمت خود جذب و فضا را برای فعالیت‌های تولیدی تنگ می‌کنند. (همان: ۱۹۸)

### نظام دیوانی و مالی ایران قبل از اسلام

تاریخ روایتگر مناسبی است که به ما نشان می‌دهد یکی از مواردی که سلاطین و دولتهای جهان در اعصار مختلف در خصوص آن به چاره اندیشی پرداخته اند، مسئله بدست آوردن منابع مالی بوده است تا از آن رهگذر بتوانند با خرج آن اهداف و دیدگاههای خود را در سطح جامعه پیاده نمایند. اصولاً هرکس که می‌خواهد نظام یا تشکیلات اجتماعی را سازمان دهی کند باید برای رسیدن به اهداف خود برنامه ریزی صحیحی جهت کسب منابع مالی و خرج کردن به طور مناسب برای جامعه نمایند. اینک با در نظر گرفتن این واقعیات باید گفت بسیار بعید به نظر می‌رسد اسلام که خود را دین و دولت معرفی کرده و در ارکان خود سه بخش عبادات، معاملات اعم از اقتصاد و سیاست و احکام را مطرح نموده برای این مسئله فکری ننموده و منابعی را در نظر نگرفته باشد. بررسی قرآن و سنت به ما نشان می‌دهد که دین اسلام در دستورات خود، آیات و روایات متعددی در جهت رفع همین نیاز در اعصار و دوره‌های مختلف بیان نموده، می‌بینیم در قرآن کریم بعد از تاکید بر نماز و اعتقاد به ستون دین بودن آن، تاکید بر دادن زکات و انفاق در راه خدا شده است. (پیگولوسکایا، ۱۳۵۳: ۲۰۸).

بی‌شک شرایط و ضرورت‌هایی که در عرصه حکومت بوجود می‌آید و نشیب و فرازهایی که در بستر زمان و مکان و مقتضیات تصمیم‌گیری ظاهر می‌شود، قطعاً وظایف دولتها در نحوه بهره‌گیری از اموال عمومی متناسب با نیازها و ضرورت‌های هر مقطع زمانی خواهد بود. آنچه اجمالاً از منابع اسلامی بدست می‌آید این است. اولاً: مسوولیت فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی که از ناحیه مردم انجام می‌گیرد به عهده خودشان است، لذا این مردم هستند که مالک دسترنج و حاصل زحمات خود می‌باشند (در صورتیکه از طرق مشروع بدست آمده باشد) منتهی حقوق عمومی که تحت عناوین زکات، خمس، مالیات و... قرار دارد، باید بپردازند. (محمدی‌ملایری، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۵۸). ثانیاً:

دولت سیاستگذار و ناظر و حمایت کننده و در عین حال تامین کننده امنیت جامعه است، دولت از طریق ایفاد مسوولیت خود که با مدیریت صحیح انجام می گیرد باید بستر فعالیتهای مختلف را فراهم نماید، گرچه در موارد ضرورت، یا منابع استراتژیک دولت خود به فعالیتهای مورد اشاره اقدام می نماید، ثالثاً: از جمله وظایف دولت توزیع و هدایت منابع و اموال عمومی و منابع طبیعی قبل از تولید است. این دولت است که با هدایت صحیح و راهبردهای اساسی و کارآمد نقش اصلی خود را در هدایت منابع درآمد و اموال عمومی انجام می دهد. (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۷۴۱).

از نظام مالیاتی ایران، بیشترین اطلاعاتی که موجود است مربوط به دوره‌ی انوشیروان و اصلاحات اوست و چنانچه از منابعی مثل طبری، کریستن سن و شیپمان برمی آید، اصلاحات انوشیروان پس از سامان دهی به اوضاع و قائله‌ی مزدک شکل گرفت. در این دوره، در درجه‌ی اول لازم بود در اصول خراج در ایران تجدید نظر شود چراکه اسلوب قدیم فی نفسه روشی کهنه و مهجور شمرده می شد و حوائج دولت را بر نمی آورد (پیگولوسکایا، ۱۳۵۳: ۱۰۳).

به طور کلی، روش اصلی تولید و منبع درآمد و امرار معاش مردم در زمان ساسانیان، کشت و برز و کشاورزی بود (دریایی، ۱۳۸۳، ۱۱۸). شیوه‌ی تولید و تامین عایدات این دولت را می توان براساس پنج اصل به حساب آورد:

۱. زمین و کشت.
  ۲. صنایع و تجارت.
  ۳. باج شخصی یا باج سرانه.
  ۴. غنائم جنگی.
  ۵. سایر عایدات شامل هدایایی که در اعیاد گوناگون از شاهان محلی دریافت می شد (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۹۱، ۲۵۴).
- درآمد دیگر دولت ساسانی معادن طلا به خصوص معادن طلای فارانژیون در ایالت پرس ارمنی و همچنین عوارض گمرکی که به نام مکس و عشور معروف بود میباشد (کریستن سن، ۱۳۱۷: ۱۸۶).

### نخستین رویارویی مسلمانان با نظام مالی ایران

نخستین برخورد اساسی میان ایرانیان و مسلمانان، در سال ۱۲ هجری (۶۳۳ م.) روی داد؛ بدین صورت که مُثَنّی بن حارثه شیبانی و سُوید بن قُطبه که هر دو از قبیلۀ بَکر بودند، به مرزهای ایران هجوم آوردند و با کسب غنایمی بازگشتند. مثنی بن حارثه پس از این واقعه نزد ابوبکر آمد و از ضعف ایران و مساعد بودن اوضاع برای ورود مسلمانان به این کشور گزارش داد. ابوبکر نیز خالد بن ولید را به همراه لشکری روانه ایران ساخت. (اشپولر، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۵۴).

خالد پس از تصرف روستاهای این ناحیه، عازم حیره (در جنوب کوفه) شد و آنجا را تصرف کرد. با فتح حیره، کلید تصرف بین النهرین به دست مسلمانان افتاد. شهر حیره نخستین مکان از امپراتوری ساسانی بود که از آنجا خراج یا به عبارت بهتر جزیه (۱۹۰ هزار درهم) به دربار خلافت فرستاده شد. فتح حیره، پیروزی بزرگی برای مسلمانان به شمار می رفت؛ از این روی، آنان با

اشتیاق فراوان متوجه اراضی سواد شدند. دولتمردان ساسانی که تا آن زمان پیشروی مسلمانان تا حیره را حمله‌ای غارتگرانه از سوی بدویان برای کسب غنیمت می‌پنداشتند، برای باز پس‌گیری حیره، نیروی فراوانی به سرکردگی بهمن جادویه گسیل داشتند که نتیجه‌اش شکست سپاه مسلمانان در نبرد جسر (۱۳ ه. ق.) و کشته شدن سردار سپاه اسلام ابو عبیده ثقفی بود. (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۲۵۸).

با پیروزی مسلمانان در نبرد قادسیه (سال ۱۴ ه. ق.)، علاوه بر سقوط پایتخت - به‌ظاهر تسخیرناپذیر - شاهنشاهی ساسانی، شهرها و مناطق مرزی ایران یکی پس از دیگری در مدت کوتاهی به تسخیر لشکریان اسلام درآمد. مسلمانان، به دنبال سپاه ایران خود را به مدائن رساندند و مدتی طولانی این منطقه را در محاصره خویش گرفتند. تلاش‌های یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی، سودی نداشت. (اشپولر، ۱۳۶۹، ج ۲: ۸۳).

اولین منطقه‌ای که اعراب در داخل خاک ایران فتح کردند، «سوق‌الاهواز» بود. هرمزان، مرزبان خوزستان، پس از آنکه به تحریک یزدگرد، عهدنامه صلح مسلمانان و پیروز (دهقان اهواز) را نقض کرد، با آنان به جنگ پرداخت؛ لیکن شکست خورد و ایرانیان مجبور شدند تحت شرایط معاهده قبلی، دوباره با ابوموسی اشعری فرمانده مسلمانان صلح کنند. یزدگرد گمان می‌کرد مسلمانان به دشت‌های منطقه خوزستان قناعت خواهند کرد. (پیگولوسکایا، ۱۳۵۳: ۲۳۶).

### نگرشی بر دلایل پیروزی سپاهیان اسلام

با پیروزی ایرانیان در نبرد جسر، حیره از دست مسلمانان بیرون آمد؛ اما هنوز مدتی نگذشته بود که مسلمانان در نبرد بویب بر سپاه ایران چیره گشتند و دگر باره حیره را تصرف کردند. با فتح مجدد حیره، امپراتوری متزلزل ساسانی که تا این زمان حضور مسلمانان را خطری جدی تلقی نمی‌کرد، به شدت هراسناک شد و سپاهی عظیم به فرماندهی رستم فرخزاد در برابر مسلمانان آرایش داد. لیکن این سپاه بزرگ و قدرتمند، در قادسیه (غرب کوفه) مقابل قشون اسلام شکست سختی متحمل شد و غنیمت هنگفتی به دست مسلمانان افتاد که در میان آن، درفش کاویان نیز بود. (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳ ج ۱: ۲۲۰) با پیروزی مسلمانان در نبرد قادسیه (سال ۱۴ ه. ق.)، علاوه بر سقوط پایتخت - به‌ظاهر تسخیرناپذیر - شاهنشاهی ساسانی، شهرها و مناطق مرزی ایران یکی پس از دیگری در مدت کوتاهی به تسخیر لشکریان اسلام درآمد. مسلمانان، به دنبال سپاه ایران خود را به مدائن رساندند و مدتی طولانی این منطقه را در محاصره خویش گرفتند. تلاش‌های یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی، سودی نداشت. (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳ ج ۱: ۱۸۸)

اولین منطقه‌ای که اعراب در داخل خاک ایران فتح کردند، «سوق‌الاهواز» بود. هرمزان، مرزبان خوزستان، پس از آنکه به تحریک یزدگرد، عهدنامه صلح مسلمانان و پیروز (دهقان اهواز) را نقض کرد، با آنان به جنگ پرداخت؛ لیکن شکست خورد و ایرانیان مجبور شدند تحت شرایط معاهده قبلی، دوباره با ابوموسی اشعری فرمانده مسلمانان صلح کنند. یزدگرد گمان می‌کرد مسلمانان به

دشت‌های منطقه خوزستان قناعت خواهند کرد، ولی با پیشروی اعراب، با نامه و پیام از سردارانش درخواست کرد تا او را برای نبرد نهایی یاری کنند. (دینوری، ۱۳۶۶: ۱۵۶).

به گفته مورخان، مقاومت برجسته و قابل ملاحظه دیگری در مسیر فتوحات مسلمین پدید نیامد؛ مردم شهرها یا در مقابل فاتحان مقاومت نمی‌کردند و یا با اندکی مقاومت، تسلیم شده و میان اسلام آوردن و پرداخت جزیه مختار بودند. در نتیجه، دیگر نبرد منظمی میان ارتش ساسانی و سپاه مسلمانان رخ نداد.

با فتح نهاوند و همدان توسط مسلمانان (۲۱ ه.ق)، شرایط مناسب برای تسخیر تمام ایران فراهم شد و نقاط مختلف یکی پس از دیگری به تصرف سپاه اسلام درآمد؛ به گونه‌ای که تا سال ۳۱ هجری، مسلمانان تا سواحل آمودریا (شرقی‌ترین مرز ایران) پیش رفتند. پیشروی لشکریان اسلام در مناطق مرکزی، سرعت چشمگیری داشت و در کمتر از یک دهه، تمام سرزمین ایران - به جز طبرستان، دیلمان و برخی نواحی مرزی - تحت سیطره سیاسی مسلمانان درآمد. در برخی شهرها مانند فارس و آذربایجان، که از دیرباز مراکز دینی ساسانیان بودند. (حاتمی‌منش، ۱۳۷۸: ۶۶).

نخستین فردی که در دوره اسلامی به سازمان مالی تقریباً نظم بخشید، عمر بن خطاب بود. او با استفاده از تنظیمات محلی در سرزمین‌های مفتوحه و مقداری تعدیل برای مطابقت دادن سازمان‌های محلی با مبادی اسلام، اقداماتی را در این زمینه انجام داد. در مورد این مطالب که چه عاملی سبب تاسیس دیوان و ایجاد تشکیلاتی برای کنترل دخل و خرج مسلمانان شده است، اختلاف نظر وجود دارد. برخی براین عقیده‌اند که علت تشکیل دیوان، زیاد شدن مال بوده است. (دینوری، ۱۳۶۶: ۱۶۳).

تشکیل دیوان در سال ۲۰ هجری به انجام رسید و دفاتر نوشته شد و اسامی مردم به حسب قرابت به رسول خدا(ص) و سابقه در اسلام در دفاتر ثبت شد. این دیوان دارای چند بخش بود:

۱. امور لشکری
۲. حقوق و رسوم و کارها
۳. امور کارگزاران

بیت المال (برخی منابع گفته‌اند این دیوان، دیوان «الجند» نام داشت و در مورد آن گفته‌اند: «دیوان جند مشتمل بر تمامی اهالی مدینه، یعنی نیروهای شرکت‌کننده در فتوحات و مهاجرانی که به همراه خانواده‌هایشان به پادگان‌های ولایات پیوسته بودند، می‌شد. نام برخی موالی نیز در این دیوان ثبت شده بود ولی این کار دوام نیافت. همراه اسامی افراد، پرداخت‌ها و میزان آن هم ذکر می‌گردید» (رفیعی‌محمدی، ۱۳۸۴: ۴۴).

بی‌شک، نظام مالیاتی که در تشکیلات خلافت اسلامی در این عهد به وجود آمد، از مقررات و قوانین حاکم بر جوامع سرزمین‌های فتح شده تأثیر پذیرفته بود و «دواوین» پیشین به‌عنوان مرجعی قابل اعتماد مورد استفاده بود. مثلاً الگوی خراج که در نظام مالیاتی اسلامی براساس آن عمل می‌شد، به‌طور کلی (به تصریح مآخذ اسلامی) از سیستم مالیاتی امپراتوری ساسانی پیروی

می کرد، زیرا این سیستم در ایران سابقه‌ای طولانی داشت و او در گرفتن مالیات به جز در برخی از امور دقیقاً شیوهی مالیات‌گیری انوشیروان را رعایت نمود (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۷۰۳).

عمر با تشکیلات منظم دیوانی تمام منطقه‌ی مفتوحه را که از لحاظ سالی و خراجی از زمان انوشیروان به این سو مساحت نشده بود از نو مساحت کرد و نسبت به تغییراتی که در آنها بود تجدیدنظر کرد (الریس، ۱۳۷۳: ۱۲۱). او حتی فرمان مساحی کل سرزمین‌های اسلامی را صادر کرد و براساس آن مالیات ثابتی برای آنها تعیین شد (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۳).

به هر حال، عمر بن خطاب با دسته‌بندی اراضی مفتوحه و وضع خراج و مقرر نمودن جزیه بر اهل کتاب، ساختمان تنظیمات مالیه اسلامی را به وجود آورد که بعد از او هم به آن عمل شد. در واقع عمر اولین کسی است که دیوان را در اسلام تشکیل داد و برای افراد مقرری تعیین کرد (جهشپاری، ۱۳۴۸: ۲۳۹).

بر این اساس، نخستین اقدام سعدبن ابی وقاص، فاتح قادسیه نیز واگذاری مسئولیت گردآوری خراج منطقه سواد به دهقانان آن منطقه بود. دهقانان در عهد ساسانی مسوولیت گردآوری خراج نواحی مختلف ایران را بر عهده داشتند، اما این بار به جای دولت ساسانی، از سوی دولت اسلامی متعهد به جمع‌آوری خراج شدند. به این‌سان، بی‌آنکه در اساس به نظام مالی و دیوانی دوره ساسانی خللی وارد آید به دولت نوپای اسلام انتقال یافت. (حاتمی‌منش، ۱۳۸۷: ۱۳). به عقیده‌ی برخی، نکته‌ی جالب این است که عمر نه تنها در مورد مالیات ارضی بلکه در مورد جزیه که حکم کلی آن در قرآن آمده است نیز از مقررات انوشیروان پیروی می‌کرد (سپهری، ۱۳۹۰: ۷۱).

گاهشمار ایرانی نیز که گردآوری خراج براساس آن صورت می‌گرفت، همچنان دست نخورده به عصر اسلامی انتقال یافت، زیرا ملاک عمل در دیوان خراج همان گاهشماری بود و جایگزینی هم نداشت. (آلتهاپیم، ۱۳۸۲: ۲۰۹).

### اصلاحات اقتصادی از دیدگاه حضرت امیر(ع) و نظام پولی در زمان عمر

امام(ع)، امنیت بندگان ستمدیده و برپا شدن حدود الهی را اثر بازگرداندن سنت‌های الهی و اصلاح بلاد، بیان کرده‌اند. مسلماً مقصود از اصلاح در این کلام، اصلاح نظام اجتماعی حاکم بر بلاد مسلمین به وسیله پیاده کردن قرآن و سنت پیامبر(ص) است زیرا چنین اصلاحی چنان آثاری را به دنبال دارد.

ایشان در جای دیگری هدف خود را از قبول حکومت، پیداری قوانین شریعت، اعلام می‌کنند: «اللهم انک تعلم انی لم أرد الامر و لا علو الملک و الریاسة و انما اردت القیام بحدودک و الاداء لشرعک و وضع الامور فی مواضعها و توفیر الحقوق علی اهلها و المضی علی منهج نبیک و ارشاد الضال الی انوار هدیته؛ (۲) خدایا تو می‌دانی من فرمانروایی و نشستن بر کرسی پادشاهی و ریاست را اراده نکرده‌ام. (اشپولر، ۱۳۶۹، ج ۲: ۴۵).



### اصلاحات اقتصادی از دیدگاه حضرت امیر(ع)، عبارت است از:

احیاء مجدد تعالیم و دستورات اسلام و از میان برداشتن بدعتها در حوزه بینشها و منشهای اقتصادی مردم و کارگزاران به منظور برقراری عدالت اقتصادی.

بر این اساس، اصلاحات اقتصادی آن حضرت در نظام اقتصادی را باید در دو محور پی گرفت؛ یکی اصلاح بینشها و دیگری اصلاح منشها و رفتارها. در هر دو زمینه نیز ابتدا باید انحرافات را پیش از حکومت آن حضرت، تشخیص داد و پس از آن به بیان اقدامات اصلاحی ایشان پرداخت. پس از وفات پیامبر(ص) تا زمانی که امام علی(ع) زمام حکومت را به دست گرفتند دو انحراف اساسی رخ داد که آن حضرت تمام سعی و تلاش خود را بر اصلاح این دو انحراف، صرف کردند. اول انحراف در بینشهای اقتصادی بود. در بینش مسلمانان به جای آنکه آخرت اصل و هدف و دنیا فرع و وسیله باشد، مسئله برعکس شده بود. مردم به دنیا روی آورده و آخرت را فراموش کرده بودند. دنیا بیش از آخرت دلهای آنها را تسخیر کرده بود. (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۹۱، ۲۹۰).

انحراف دوم انحراف منشها و رفتارهای مردم و کارگزاران از الگوهای بود که پیامبر(ص) آن الگوهای رفتاری را در قالب و دستورات شریعت برای دستیابی به اهداف مورد نظر اسلام به ویژه تحقق عدالت اقتصادی در جامعه، معرفی کرده بودند. (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۳۱۳).

از سویی انفاق و صدقه و وقف در بین مردم کاهش یافته بود. حضرت برای اصلاح رفتارهای مردم از سویی مردم را با زبان به انفاقات و صدقات و اعمال خیر تشویق می نمود و از سوی دیگر با عمل خود مردم را به این کارها فرا می خواندند. همچنین برای تحقق عدالت و توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی و درآمدها و بیت‌المال، اقدامات اصلاحی حضرت چنین بود:

۱- تعویض کارگزاران و روی کار آوردن افراد صالح

۲. جلوگیری از انحراف کارگزاران

۳. بازگرداندن اموال بیت‌المال

۴. تقسیم اموال بیت‌المال بین مردم به نحو تساوی

۵. تعجیل در تقسیم بیت‌المال (دینوری، ۱۳۶۶: ۸۶-۸۵).

### بصیرت قرآنی

در مجموع همان گونه که انوشیروان از هفت گونه محصول خراج می گرفت، از جمله نخل و مو، در دوره اسلامی نیز از این دو محصول خراج می گرفتند و نیز همانند انوشیروان که در مالیات‌گیری زمین طبق جریب و اندازه‌گیری اراضی و آمارگیری از درختان میوه و خرما عمل می کرد، در دوره اسلامی نیز از این شیوه‌ها استفاده شد، ولی به زعم عده‌ای از مورخان، در نرخ خراج و جزیه افزایش داده شده و اولین کس عمر بن خطاب بود که این افزایش را انجام داد. (جهشپاری، ۱۳۴۸: ۳۲).

درباره‌ی میزان خراج در دوره‌ی عمر بن خطاب و در سرزمین عراق گفته شده که او از هر جریب گندم‌زار، چهار درهم، و جوزار دو درهم، و از نخل، هشت درهم، تاک شش درهم می گرفته است

(مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۸۵). درحالی که در دوره‌ی انوشیروان از هر جریب گندم زار یک درهم، و جوزار نیز یک درهم، و از هر چهار اصله نخل اصیل یک درهم برای نخل‌های پست‌تر از هر شش نخل یک درهم اخذ می‌شده است (دنت، ۱۳۴۵: ۵۶)

و نیز نخستین کسی که عشور را وضع کرد عمر بود. از جمله صدقاتی که بر مسلمانان واجب است صدقات عشر است که عبارت است از محصول زراعت و اراضی متعلق به مسلمانان. بعد از فتوحات مسلمانان در عراق، شام و دیگر مناطق، زمین‌هایی به علت کوچ ساکنانش یا علل دیگر به تصرف فاتحین درمی‌آمد که عمر آنها را صوافی می‌خواند چراکه آنها را به‌طور صاف و خالص مختص بیت‌المال می‌دانست (الریس، ۱۳۷۳: ۱۴۵).

از زمان عمر تغییرات محدودی در شکل مسکوکات ایجاد شد. این تغییرات به این صورت بود که بعضی از خلفا، عباراتی عربی، اسلامی را به حاشیه‌ی سکه‌های امپراتوری روم و شاهنشاهی ساسانی می‌افزودند که در نزد علمای سکه‌شناسی به سکه‌های عرب، ساسانی و عرب، رومی شهرت یافته‌اند. مورخان نیز سکه‌های ضرب شده در صدر اسلام که منقوش به نقوش ساسانی و رومی بودند و به شکل سکه‌های ساسانی و رومی ضرب می‌شدند را به‌عنوان درهم‌های کسروی و دینارهای قیصری می‌شاخند (حسینی‌مازندرانی، ۱۳۸۲: ۴۲).

سکه‌های عرب ساسانی اصطلاحی است که در ارتباط با سکه‌های مسی و نقره‌ای ضرب شده در زمان آغاز اسلامی است. این سکه‌ها مربوط به دوره‌ی حکام مسلمان خلفای اموی هستند که در مناطق تحت نفوذ ساسانیان حکمرانی می‌کردند. بیشتر سکه‌های عرب ساسانی از جنس نقره هستند. بر روی این سکه‌ها، به‌طور معمول، تصویری از شاه ساسانی و نوشته‌ی اندرزی همراه است. در سمت راست تصویر نام حاکم به خط پهلوی نوشته شده و در پشت سکه‌ها، آتشدان زرتشتی به همراه نگهبان آتش، در کنار آتشدان حک شده است. (گیزلن، ۱۳۸۱: ۷).

درواقع قدیمی‌ترین دینار شناخته‌شده‌ای که به مسلمانان نسبت داده می‌شود دیناری است که خالد بن ولید در سال ۱۵ هجری در شام ضرب کرد. این سکه مانند دینارهای رومی یک طرف آن دارای صلیب، تاج و چوگان بود و در طرف دیگر، به حروف یونانی کلمه‌ی خالد نقش شده است. (پول و نظام‌های پولی، ۱۳۷۵: ۱۵۷).

وقتی مسلمانان تصمیم گرفتند که سکه ضرب کنند، سکه‌های ایران تحت‌تاثیر موضوعات دین جدید قرار گرفت و سکه‌های عرب ساسانی پدید آمدند که به همان سبک سکه‌های ساسانی و با تغییراتی در نوشته‌ها و گاهی در تصاویر بودند. یعنی ترکیبی از طرح‌ها و نقش‌های ایرانی و عربی (قاسم‌یگلو، ۱۳۸۵: ۵۰).

در این سکه‌ها، مسلمانان بدون اینکه تصاویر پادشاهان ساسانی و محل و تاریخ ضرب آنها را بردارند نام خود و کلمات شهادتین را می‌افزودند (نقشبندی، ۱۳۶۹: ۳۲). این درهم‌های عرب ساسانی در زمان خلفای راشدین و اوایل دولت اموی یعنی تا زمان حکومت عبدالملک بن مروان کاربرد داشتند (سامر، ۱۳۹۱: ۲۰۳).

مسلمانان علاوه بر درهم‌های عرب‌ساسانی با دینارهای رومی نیز همان کار را کردند و دیناری شکل گرفت به نام عرب‌بیزانسی. این سکه‌ها نیز پس از فتح سوریه و فلسطین و در زمان عمر ضرب شده‌اند با ترکیبی از نقش اصلی سکه‌های امپراتوری بیزانس و نوشته‌های اسلامی به خط کوفی که معمولاً بدون نام و تاریخ بودند (شمس‌اشراق، ۱۳۶۹: ۱۲۷).

عثمان منش اقتصادی یا نظام مالی شگرفی نداشت و به گواهی تاریخ در بذل و بخشش به خویشان خود دستی گشاده داشت و کارهای او به تدریج موجب به وجود آمدن قشری ثروتمند و مرفه در جامعه‌ی مسلمین گردید اختلاف طبقاتی را موجب شد. او معتقد بود که مال، مال خداست و خود را ولی مسلمین می‌شمرد لذا بیت‌المال را در هر جا که می‌خواست صرف می‌کرد. عثمان اموالی که به بیت‌المال می‌رسید را به مدت یک سال نگه می‌داشت و سپس به توزیع آن مبادرت می‌کرد. (میرمعزی، ۱۳۸۰: ۴۳).

همانطور که گفته شد با فتح ایران در زمان عمر و دست یافتن به مراکز دیوانی ساسانیان، الگوهای درست حکومت بر سرزمین‌های اسلامی به دست اعراب رسید و مهاجرت ایرانیان به دلیل مسلمان شدن یا دلایل دیگر کمک‌های بسیاری به اعراب کرد و در تحولات دیوانی اعراب بسیار فعال بودند اما در زمان عثمان تحولات دیوانی به دلیل اینکه دیوان‌های ساخته شده در دوره‌ی عمر، کفایت امورات و نیازهای مالی حکومتی را می‌کرد تقریباً متوقف شد اما شاید دلیل اصلی این توقف، گرایش مجدد به ساختار قبیل‌ای بود؛ چراکه انتخاب ماموران و حاکمان از میان اشراف قریش و روسای قبایل صورت می‌گرفت (جهش‌یاری، ۱۳۶۸: ۴۹).

بخشش‌های عثمان فاصله‌ی فقیر و غنی را افزایش داده بود به شکلی که خمس غنایم و مالیات و جزیه‌ای که از سرزمین‌های فتح شده گرفته می‌شد و طبق سنت پیامبر به همه‌ی مردم تعلق داشت، به عده‌ای خاص داده می‌شد. عثمان یک‌پنجم غنایم آفریقا را که حدود ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار دینار بود به مروان بخشید و به ابوسفیان هدایای ۲۰۰ هزار درهمی می‌داد و پس از مرگ عبدالرحمان بن عوف که برادرخوانده و داماد او بود یک‌هشتم ثروتش میان چهار همسر او تقسیم شد که به هر کدام ۸۰ هزار دینار تعلق گرفت (بهدادی‌مهر، ۱۳۸۹: ۱۲۶). سیاست اقطاعی او نیز زمین‌های سواد، بصره و مناطق حاصلخیز بسیاری را به تیول واگذار می‌کرد. (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۷۴). درهم‌های عثمان نیز به سبک درهم‌های دوره‌ی عمر بود با نقش الله‌اکبر که توسط حاکمان و امرا زده می‌شد. در زمان عمر و عثمان، بعد از فتح ایران و روم سکه‌های فراوان درهم و دینار از آن سرزمین‌ها وارد مرکز حکومت اسلامی شد و مردم در دادوستد از ضرب سکه‌های جدید بی‌نیاز بودند و گویا آن دو خلیفه انگیزه‌ی خاصی برای ضرب سکه نداشتند و باتوجه به ضراب‌خانه‌های فتح شده در ایران و روم از نظر اقتصادی به چنین امری چندان نیازی احساس نمی‌شد. (یوسفی، ۱۳۷۹: ۳۶)

علی (ع) درباره اثرات مالیات در اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی خطاب به مالک اشتر فرماندار مصر در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «امور مردم جز با سپاهیان، استوار نگردد و پایداری جز به خراج و مالیات

رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را برطرف سازند. (خزائی و یزدان‌پور، ۱۳۹۴: ۹۱).

علی(ع) نظام مالی حکومت خود را براساس عدالت بنا نهاده بود و در تقسیم اموال، عرب را بر عجم و قریش را بر غیرقریش ترجیح نمی‌داد. در زمان او، با برقراری حکومت مستقل توسط معاویه، شامات از دست امام خارج شد و ایشان بر مصر، سواد، ایران و جزیره‌العرب حاکمیت داشت و در نتیجه درآمدهای مالی کاهش یافت. همچنین بخش‌های شرقی ایران یعنی خراسان و سیستان نیز دست به شورش زدند و جزیه و خراج این مناطق نیز قطع شد(بهدادی‌مهر، ۱۳۸۹: ۱۲۹). از حضرت علی(ع) نقل است که جزیه بر کسانی از اهل ذمه واجب است که آزاد، مرد و بالغ باشند و بر کودکان آنها واجب نیست(بروجردی، ۱۴۰۷، ج ۱۳: ۲۱۸).

در دوره‌ی امام علی(ع) درهم‌هایی به همان سبک و مضامین قبلی وجود داشت(نقشبندی، ۱۳۶۹: ۳۳) و در سال چهارم هجری، هم سکه‌هایی ضرب شد که تمام آثار غیراسلامی از آن محو شده بود، و بر یک طرف آن به خط کوفی عبارت الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و در اطراف آن عبارت محمد رسول الله ارساله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون، حک شده بود ولی پس از حکومت آن حضرت، ضرب سکه‌های اسلامی متوقف شد و از رواج افتاد و نتوانست جایگزین سکه‌های قبلی شود(فرازنسب و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۷). در دوران خلفای راشدین در برخی دارالضرب‌های ایران مانند اصطخر، نیشابور، بصره، داربگرد، ری، شوش، سیرجان، مرو، نهاوند، هرات و همدان، به نام ایشان سکه ضرب می‌شد(نقشبندی، ۱۳۶۹: ۳۲). با استقرار نظام اموی توسط معاویه حکومت اسلامی که پیشتر جنبه‌ی دینی داشت به تدریج به حکومت سلطنتی تبدیل شد و معاویه برای نخستین بار به تقلید از پادشاهان، بساط پادشاهی گسترده و اعلام کرد که من نخستین پادشاه عربم(دنت، ۱۳۵۷: ۶۵) و مالیاتی را که مورد تصویب اسلام نبود و قبلاً ایرانی‌ها به نام هدایای نروزی و مهرگان به سلاطین خود می‌پرداختند، دوباره برقرار کرد(جهشپاری، ۱۳۴۸: ۵۳). او به تقلید از نظام دیوانی ایران و روم، تغییرات عمده‌ای در نظام اداری دولت اسلامی ایجاد کرد و دیوان‌های چندی متناسب با اهداف خود پدید آورد علاوه بر این، معاویه به تقویت نیروی دریایی نیز علاقه مند بود(سیستانی، ۱۳۴۶: ۱۱).

او که خود از راه اقطاعاتی که از عثمان گرفته بود املاک زیادی کسب و آنرا به صورت ثروت خانوادگی برای خاندان خود به ارث نهاد در زمان حیات خود به عنوان خلیفه نیز اقطاعات زیادی به بنی‌امیه واگذار کرد که تمام آنها به صورت املاک شخصی و خانوادگی به وراثت آنها منتقل شد (یعقوبی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۴۵).

اقطاع که از سنن و نظام مالی ساسانی بود در دوره‌ی عربان به این شکل درآمده بود که فرمانروایان تازی هم‌دست یا زیردست خود را می‌فرستادند و ناحیه‌ای را به ایشان به مقاطعه می‌دادند که در سال مبلغ معینی زر و سیم و کالا برای ایشان به دمشق بفرستند و ناچار ایشان را آزاد می‌گذاشتند که هر چه می‌خواهند انجام دهند و تنها منتظر بودند اموالی را که برعهده‌ی

ایشان گذاشته شده بود، روانه کنند. قهرا فرمانروایان، چند برابر آن چه را برعهده داشتند از مردم می‌گرفتند و سهم خلیفه را می‌دادند و بازمانده را خود برمی‌داشتند (نفیسی، ۱۳۴۲: ۱۲۵).

در دوره‌ی او انواع بدعت‌ها و انحرافات که دیگر خلفای اموی از آن پیروی کردند، پایه‌ریزی شد و کم‌کم دیوان‌های عریض و طویلی برای ثروت‌های بی‌کرانی که به دست می‌آمد دایر گشت. (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۴۷). کار این دیوان علاوه بر رسیدگی به امور مستغلات، عقد قرار دادهای اجاره و استیفای حقوق دولت بوده است. طبری ضمن برشمردن کاتبان اموی از نضیع بن ذویب، غلام ولید بن عبد الملک، در سمت دبیر مستغلات ولید نام می‌برد (طبری، ۱۳۶۲: ۱۸۱).

یکی از خصوصیات دستگاه مالی امویان این بود که خزانه‌ی دولت، جزء دارایی مردم محسوب نمی‌شد و در واقع، خاص خلیفه و زیر نظر مستقیم او بود و او با دستی باز، از آن بذل و بخشش می‌کرد. (امیرعلی، ۱۳۵۹: ۱۹۲)

معاویه پس از آن که آرامش را در قلمرو خود برقرار کرد، به دستگاه مالی توجه خاصی نشان داد و درصدد تقویت بنیه‌ی مالی خود برآمد و به پیروی از سلاطین گذشته در راه افزایش در آمد، گام برداشت و برخلاف روش پیامبر اسلام (ص) و خلفای راشدین، همت خود را صرف امور دنیوی نمود (زیدان، ۱۳۸۹، ج ۴: ۶۹۳) در مورد اراضی خراجی گرچه در اوایل حکومت اعراب بر ایران همان مقدار خراج دریافت میشد ولی به تدریج، میزان خراج افزایش پیدا کرد و به روزگار امویان، ظاهراً علاوه بر آن که مالیات‌های جدیدی وضع شد، بر میزان مالیات‌های موسوم از جمله خراج، افزوده شد، زیرا امویان از همان آغازین سال‌های حکومتشان، سیاست افزایش مالیات را در پیش گرفتند و با عدم رعایت اصول گذشته که خلفای راشدین در پیش گرفته بودند بر میزان مالیات‌ها افزودند (ابراهیم حسن، ۱۳۹۵: ۲۲۳)

سکه‌های اصلاح‌شده‌ی عبدالملک بن مروان، پنجمین خلیفه‌ی اموی را سکه‌های اسلامی می‌نامند که به جای تصاویر انسان و نشانه‌های مذهبی غیر، نوشته‌های عربی با متون مذهبی اسلامی مثل سوره‌ی توحید به خط کوفی در متن سکه و در حاشیه‌ی آن سوره‌ی توبه ضرب می‌شد. این سکه‌ها بدون نام خلیفه بودند و تنها از روی تاریخ ضرب، به زمان آنها می‌توان پی برد (نقشبندی، ۱۳۶۹: ۱۵)

در دوره‌ی اموی دینارهایی با اسامی متفاوت، برحسب مکانی که در آنجا ضرب شده بودند و یا افرادی که آن را ضرب کرده‌اند، نامگذاری می‌شوند مثل دینار دمشق: دینارهایی که در ایام عبدالملک بن مروان در سال ۷۴ ه.ق در دمشق ضرب می‌شد (حسینی‌مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۳۳).

عبدالملک، اصلاح درهم را به حجاج بن یوسف ثقفی، والی خود، در عراق واگذار کرد و برای این کار، طرح و نقشه‌ی سکه‌ها را برای او فرستاد و به حجاج فرمان داد درهم‌هایی به وزن ۱۵ قیراط از نوع قیراط دینار ضرب کرد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۶۴۹). هر ده درهم نقره‌ی اسلامی برابر با هفت مثقال طلا بود (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۱۴۳).

طرح و نقش درهم‌های عبدالملک به این شکل بود که در یک طرف آنها مانند دینارها «لااله الاالله وحده لا شریک له» به همراه مکان ضرب سکه و در سمت دیگر آن سوره‌ی توحید و آیه‌ی بیستم سوره‌ی یوسف حک می‌شد (فهمی محمد، بی تا: ۳۳۰). سکه‌شناسان اصلاح درهم توسط عبدالملک بن مروان را به سال ۷۹ هجری می‌دانند (فهمی محمد، بی تا: ۵۱).

همان‌طور که گذشت، حجاج بن یوسف که از والیان اموی بود خود اقدام به ضرب سکه نمود. روایت است که حجاج بر آن شد که بداند پارسیان در ضرب درهم چه کار می‌کردند پس خود دارالضربی درست کرد و سکه‌زنان را در آن گرد آورد و به نام مرکز خلافت از مالی که در خزانه داشت سکه ضرب می‌کرد. (شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۳۶).

### نتیجه‌گیری

یکی هزینه‌های مربوط به حق اعمال حاکمیت و دوم هزینه فقرا و محرومان با توجه به نیازها و ضرورتها. البته بدیهی است که در جامعه اسلامی اصل بر فقیر نگهداشتن مردم و یا فقیرپروری نیست که بعد با صدقه و منت زندگی آنانرا تامین کنیم، بلکه برخورد با فقر بصورت ریشه‌ای و بنیادی است که زمینه آنرا از بین می‌برد و . . . اما در هر صورت نسبت به افراد ناتوان، در راه مانده، آواره، یتیم، از کار افتاده و نیازمند، برنامه و پیش بینی لازم شده. نتیجه حقوق شرعی پاب پای وظایف خاص است که بعهدہ حکومت اسلام گذاشته شده و در حدود وظایف مقرر اعتبار مقرر، پیش بینی شده .

ب) چنانچه وظایف و مسئولیتهای جدیدی بعهدہ دولت ها گذارده شد. بهر عنوان و تحت هر شرایط تا زمانیکه این وظایف و مسئولیتهای هست و با توجه به سعه و ضیق دایره این مسئولیتهای تامین مالی و اعتبار آنی نیز باید پیش بینی و تدارک گردد. والا صرفا وظایف افزایش و توسعه پیدا کند. در حالیکه معادل آن منابع تامین اعتبار پیش بینی نشود. نقض غرض است و امکان عملی نخواهد داشت .

لذا با تحول وظایف قطعا حقوق جدیدی را می‌طلبد و توسعه در وظایف و توسعه در هزینه‌ها و ایجاد هزینه‌های جدید و گسترش مسئولیتهای خدماتی، خدمات برتر و خدمات ویژه و تامین اجتماعی و خدمات عمومی و سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی و تولید و آموزشی و ایجاد رفاه و توسعه عمومی ضرورتا توسعه در منابع رامی‌طلبد و بدون تامین منابع لازم برای انواع خدمات اجتماعی و عمومی و رفاه و آسایش همگانی و ده‌ها مسئله خرد و کلان دیگر امکان عملی انجام این قبیل کارها میسر نخواهد بود. بدیهی است چنانچه دولتهای اسلامی از نظر انفال و منابع عمومی دارای امکانات ویژه‌ای باشند. مانند زمان حاضر که برخی از کشورهای اسلامی دارای منابع ویژه نفتی و ذخایر عظیمی از این دست هستند و با فروش آن می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند و توسعه بدهند و خدمات ارائه دهند و هزینه‌های کلان اداری و اجرایی و مؤسسات وابسته را تامین نمایند و مانند آن، در این شرایط می‌توان بهمان منابع بسنده کرد. در صورتیکه چنین

امکاناتی در اختیار نباشد یا باید از بار مسئولیتها کاسته شود و یا باید منابع مالی جدیدی تامین شود. و بهر کیفیت مدل دولت و وظایف او متغیر و متحول خواهد شد. و سیستم دولتی و حکومت اسلامی با توجه به شرایط و ظرفیتهای و امکانات و نیازها و ضرورتها تغییر خواهد کرد. روش اصلی تولید و منبع درآمد و امرار معاش مردم، کشت و بزر و کشاورزی بود. دهقانان در بافت طبقاتی جامعه‌ی ساسانی قسمتی از اشرافیت را تشکیل می‌دادند که از نظر جمعیت و پراکندگی در قلمرو شاهنشاهی ساسانی قابل توجه بودند. آنها توانسته بودند که در روند اصلاحات انوشیروان و در راستای رونق اقتصادی کشور و مهار قدرت اشراف، جایگاه مهمی به دست آورند و وظیفه‌ی اصلی اداره‌ی امور محلی در روستاها، نظیر نظارت و برنامه‌ریزی در کار کشاورزی، قضاوت و نیز گردآوری خراج و سرانه برای حکومت را بر عهده بگیرند. طبقه‌ی دهقان به تدریج در اثر حمایت‌های شاهان ساسانی، مقتدر و پرنفوذ شده بودند به گونه‌ای که در روزگار زوال ساسانیان، یکی از ارکان مهم اداره‌ی محلی جامعه به حساب می‌آمد.

درواقع ایران در دوره‌ی ساسانی از اقتصادی شکوفا و سازمان‌یافته برخوردار بود که برای تنظیم درآمدهای حاصله، دارای سازمان‌های منسجم و کارآمدی بود و البته از یک نظام طبقاتی بسیار گسترده پیروی می‌کرد که در رویارویی با اعراب و حتی با پذیرش اسلام در همان جایگاه پیشین خود باقی ماندند، به‌ویژه طبقه‌ی کشاورزان و دهقانان که از عوامل مهم اقتصادی بودند. به این ترتیب که کشاورزان دارای زمین با حفظ مالکیت اراضی خود، همچون گذشته موظف به پرداخت عواید حاصل از زمین خود در قالب مالیات و خراج شدند و همان‌طور که گفته شد از آنجا که اعراب با روش مالیات‌گیری آشنا نبودند دهقانان را که از قبل مسئول جمع‌آوری خراج اراضی کشاورزی بودند و با میزان خراج هر منطقه آشنایی داشتند بر کار سابق خود ابقا کردند که این وظیفه‌ی اقتصادی را اکنون برای حکام تازه انجام دهند.

جایگاه دهقانان در دوره‌ی اسلامی تقریباً دست‌نخورده باقی ماند و از همان آغاز فتوحات مسلمانان، نماینده‌ی حکومت جدید بودند و کار عمده‌ی ایشان در قریه‌ها جمع‌آوری خراج و تحویل آنها به بیت‌المال یا عمال عرب بود و درواقع، نماینده‌ی بیت‌المال مسلمان محسوب می‌شدند و شاید عمده‌ترین کاری که به ایرانیان واگذار شده بود، همین وصول مالیات بوده است، چنان که گاهی یک نفر ایرانی متصدی جمع‌آوری خراج منطقه‌ای بزرگ می‌شد.

ایرانیان هم در امور اداری و هم در امور اقتصادی به نوعی برتری بر اعراب رسیدند و در کار کتابت و دیوانی به‌علت بی‌بهره بودن اعراب از حساب و کتاب، امور را در دست گرفتند. در خصوص کارهای مملکتی و جمع‌آوری خراج و مالیات و جزیه نیز گفتیم که کشاورزان و دهقانان و به‌ویژه دهقانان بودند که چون از اول دارای زمین بودند و با خراج آشنایی داشتند خراج سالیانه را به همان نحو جمع‌آوری و تامین می‌کردند که بخش بزرگی از درآمد خلفا و حکام عرب بود.

درمجموع سلسله‌ی ساسانی از نظر سامان‌دهی نظام مالی و بحث مالیات و دارایی‌ها و دفتر و دواوین مربوط به آن دارای سیستم عریض و طویل و درعین حال منظمی بود که بسیار مورد تقلید عرب‌ها و حاکمان آن در دوره‌ی اسلامی قرار گرفت و درواقع در دوره‌ی اعراب سازمان‌های مالی

ایران تقریباً به همان وضع پیشین باقی ماند چراکه بعد از آن که اموال زیادی به دست اعراب افتاد و در تقسیم آن عاجز ماندند به تقلید از دیوان‌های ایرانی نظام دیوانی تاسیس کردند. دیوان‌های این دوره همان دیوان‌های دوره‌ی ساسانی بود با اندکی تغییر به‌ویژه در اسامی آنها، اما همان وظایف پیشین را دنبال می‌کردند.

ورود اعراب به ایران تنها نظم سیاسی پیشین را بر هم زد و نظام اقتصادی و عمال اقتصاد همچنان بر همان منوال سابق باقی ماندند. ایرانیان در این دوره در سیاست دستگاه اموی نقش قابل توجهی نداشتند اما در اقتصاد آن نقش مهم و البته سازنده‌ای را ایفا می‌کردند که شاید بتوان گفت همین نقش آنها در امور مالی بود که دوام نظام سیاسی اموی را نیز در پی داشت.

شیوه‌ی حکومت‌داری خلفای اموی با دوره حکومت نبوی و خلفای راشدین متفاوت بود و حکومت آنها مبتنی بر اشرافیت بود؛ تا جایی که معاویه نام بیت‌المال را به خزانه تغییر داد تا تسلط حکومت بر بیت‌المال را رسمیت بخشد. طبیعی است که چنین حکومتی که اینک ایران، شمال آفریقا، ماوراءالنهر و... را در اختیار داشت برای پیشبرد اهداف خود به کسب ثروت نیاز داشت و این ثروت را باید از کشورهای مفتوحه کسب می‌کرد. حاکمان اسلامی این دوره نیز در کشورهای مفتوحه از جمله ایران به نظام مالی برخورد کردند که بسی پیچیده‌تر و منظم‌تر از نظام مالی آنها بود و عوایدی را نصیب دستگاه خلافت می‌کرد که خلفا را ترغیب به بکارگیری این نظام مالی می‌کرد. در واقع امویان به ایرانیان تکیه داشتند و زراعت، جمع‌آوری مالیات، بازرگانی و صنعت، همه در دست ایرانیان بود.

خلفای اموی که حکومت خود را بر ثروت و تجمل نهاده بودند برای رسیدن به اهداف مالی خود از اشخاص کاردان و متصدیان برای وصول مالیات استفاده می‌کردند که این اهداف را برآورده سازند حتی اگر گاهی این برآوری خواسته بدون توجه به مسائل شرعی انجام می‌شد و بر مقدار آن بدون حساب و کتاب‌های مجاز دینی افزوده می‌شد.

از موارد امور اقتصادی و مالی و دارایی که از ساسانیان به دوره‌ی اسلامی منتقل شد بسیار نمونه می‌توان آورد، از جمله: زمین‌های اقطاعی که نوعی از زمین‌ها بود که به آن مالکیت اقطاع‌داران یا تیول‌داران گفته می‌شد که معمولاً حاصل بخشش موقت یا دائمی شاه به بزرگان یا سپاهیان بود در برابر خدمت یا شرایطی خاص. اقطاع به معنی واگذاری زمین و نیز به معنی بخشیدن حاصل و عواید آن بود. این نوع از دارایی از زمان عثمان به دستگاه اسلامی وارد شد.

همچنین از دیگر درآمدهای ساسانیان علاوه بر مالیات ارضی و سرانه و غنائم جنگی و معادن و گمرک، هدایایی بود که در نوروز توسط هدیه‌دهندگان و در دیگر اوقات سال توسط حاکمان و ثروتمندان به شاه داده می‌شد که عیناً در زمان اموی و مشخصاً از زمان معاویه به دستگاه اسلامی انتقال یافت.



## منابع و مراجع

- آلتهايم، فرانتس؛ استیل، روت؛ گوبل، روبرت (۱۳۸۲) تاریخ اقتصاد دولت ساسانی، ترجمه‌ی هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ابراهیم حسن، حسن (۱۳۹۵). تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: بدرقه‌ی جاویدان.
- ابن خردادبه، (۱۳۷۰). المسالك و الممالك، ترجمه‌ی حسن قره‌چانلو، بی‌جا.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳). تاریخ ابن خلدون، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۶۹). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، تهران، علمی و فرهنگی.
- امیرعلی، (۱۳۵۹). تاریخ عرب و اسلام، ترجمه‌ی محمود فخرداعی، تهران، گنجینه.
- انصاف پور، غلامرضا (۱۳۵۶). ساخت دولت در ایران از اسلام تا یورش مغولان، تهران، امیرکبیر بروجردی، حسین (۱۴۰۷) جامع الاحادیث شیعه، بی‌جا
- بریان، پیر (۱۳۸۱) تاریخ امپراطوری هخامنشیان، ترجمه ناهید فروغان، تهران، توس
- بهدادی میر، نیما (۱۳۸۹) هدفمند کردن اقتصاد در آیینة حکومت علوی، اقتصاد، شماره ۸
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷). فتوح البلدان، ترجمه‌ی محمد بن توکل، تهران: نقره.
- پیگولوسکایا، ن. (۱۳۵۳). تاریخ ایران. ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران، نشر پیام
- حسینی مازندرانی، سید موسی (۱۳۸۲). العقد المنیر فی تحقیق ما يتعلق بالدرهم و الدنانیر، بی‌جا
- جعفریان، رسول (۱۳۶۸). تاریخ سیاسی اسلام، قم.
- جهشپوری، عبدالله (۱۳۴۸). الوزرا و الکتاب، ترجمه‌ی ابوالفضل طباطبایی، (بی‌جا).
- خزائی، زینب؛ یزدان پور، مرجان (۱۳۹۴). مالیات‌هایی اسلامی و جایگاه آن در تامین منابع مالی. مجله‌ی اقتصادی، ش ۳ و ۴
- دریایی، تورج (۱۳۸۳). ناگفته‌های امپراتوری ساسانی، ترجمه‌ی محمود فاضلی، تهران، نشر پارسه
- دنت، دانیل (۱۳۴۵). جزیه در اسلام، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، تهران، سروش.
- دنت، دانیل (۱۳۵۷). مالیات سرانه، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی.
- دینوری، ابوالحنیفه (۱۳۶۶). اخبار الطوال، ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی
- الریس، ضیاء‌الدین (۱۳۷۳). خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی، ترجمه دکتر فتحعلی اکبری، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- رفیعی محمدی، ناصر (۱۳۸۴). پژوهشی در بیت‌المال (قسمت اول)، فصلنامه‌ی فرهنگ جهاد، شماره‌ی ۴۱-۴۲.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۷). تاریخ مردم ایران، تهران، امیرکبیر.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۹). تاریخ تمدن در اسلام، ترجمه‌ی علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر
- سامانی، سید محمود (۱۳۸۴). دستگاه مالی امویان با تکیه بر قلمرو شرقی خلافت، مجله‌ی علمی پژوهشی تاریخ اسلام در آیینة پژوهش، شماره‌ی ۶.
- سامر، فیصل (۱۳۹۱). دولت حمدانیان، ترجمه‌ی علیرضا ذکاوتی قراگزلو، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- سرفراز، علی‌اکبر؛ فیروزمندی، بهمن (۱۳۹۱). باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی، تهران، مارلیک،
- سیستانی، محمداعظم (۱۳۴۶). اوضاع اقتصادی سیستان، مجله آریانا، ش ۲۷۲.
- شمس اشراق، عبدالرزاق (۱۳۶۹). نخستین سکه‌های امپراتوری اسلام، اصفهان، دفتر خدمات فرهنگی استاک

- طبری، محمدبن جریر (۱۳۶۲). تاریخ طبری، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- فرازنسب، رضا؛ رحیمی، کاظم؛ احمدی، زهرا؛ عابدی، عباس (۱۳۹۸). تحلیلی بر ضرب سکه‌ی مستقل اسلامی در عصر امویان، تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره‌ی ۵۰.
- فهمی محمد، عبدالرحمن (بی تا). فجرالسکه العربیه، بی جا
- قاسم بگلو، مرتضی (۱۳۸۵). سکه‌های سیراف، تهران، موسسه‌ی مطالعات بوشهر.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۱۷). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی رشید یاسمی، تهران، نشر نگاه.
- گولد، جولیس، کولب، ویلیام (۱۳۸۴). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، مازیار
- گیزلن، ریکا (۱۳۸۱). سکه‌ی مسی عرب، ساسانی، ترجمه‌ی سیروس نصرالله‌زاده، تهران، کتاب ماه.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۷۵). تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از ساسانی به اسلامی، تهران، توس.
- محمدی، سپهر (۱۳۹۰). نقش ایرانیان در تشکیلات مالی و دیوانی دولت خلفا، فصلنامه‌ی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره‌ی ۵.
- مقدسی، ابوعبدالله (۱۳۶۱). احسن التقاسیم، تهران، شرکت مولفان و مترجمان
- میر معزی، سیدحسین (۱۳۸۰) امام علی (ع) و اصلاحات اقتصادی، کتاب نقد، شماره ۱۹
- نفیسی، سعید (۱۳۴۲). تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان، تهران، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اسلامی.
- نقشبندی، محمود (۱۳۶۹). درهم‌های عرب ساسانی، ترجمه‌ی امیر شاهد، اصفهان، فیروز
- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب (۱۳۷۴). تاریخ یعقوبی، ترجمه‌ی محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، دانش‌نامه‌ی جهان اسلام
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۰). تحلیل تاریخی تورم و کاهش ارزش پول، فصلنامه‌ی اقتصاد اسلامی، شماره‌ی ۲
- پول و نظام های پولی (بی تا، بی جا) قم، حوزه علمیه قم. (این کتاب مرجع است و در هر جایی هم با اسم کتاب رفرنس داده می شود چون مولف بخصوصی ندارد.